

The Effects of Executive Function Training Program by Physical Activity on Response Inhibition in Children With Developmental Coordination Disorder

Jalilvand M¹, *Samadi H², Heydari Y³

Author Address

1. Assistant Professor of Motor Behavior, Department of Physical Education and Sports Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran;

2. Assistant Professor of Motor Behavior, Department of Physical Education and Sports Sciences, Yazd University, Yazd, Iran;

3. MSc in Educational Psychology, Yazd University, Yazd, Iran.

*Corresponding author's email: samadih@yazd.ac.ir

Received: 2020 March 4; Accepted: 2020 April 13

Abstract

Background & Objectives: Developmental Coordination Disorder (DCD) is among the childhood disorders. DCD generates motor problems, including developmental delay, impaired motor coordination, and partly neurological impairment. In addition to coordination and movement problems, a major problem in these children is a deficiency in executive functions. A critical executive function is response inhibition, i.e., related to the ability to stop thoughts, actions, and emotions. A new approach to treating cognitive and motor problems in children with executive dysfunction is applying physical activity. Due to the robust relationship between brain development responsible regions for motor coordination and executive function, special attention has been paid to the impact of physical activity interventions on the cognitive functions of children with DCD. Thus, the present study aimed to investigate the effects of executive function training program by physical activity on response inhibition in children with DCD.

Methods: This was a quasi-experimental study with pretest-posttest and a control group design. The statistical population of this study was all children aged 9–12 years with DCD in Kermanshah City, Iran. Twenty children with DCD were selected by the convenience sampling method and randomly assigned into the control and experimental groups (n=10/group). To ensure the presence of DCD in these individuals, screening tools, including the Developmental Coordination Disorder Questionnaire (Wilson et al., 2009) and Movement Assessment Battery for Children (Henderson et al., 2007), were used. The subjects had no history of any specific disease and participated in this study with the consent of their families. The other research tools included Wechsler Intelligence Scale for Children-Fifth Edition (Wechsler, 2014) and Stroop Test (Stroop, 1935). The experimental group participated in a designed physical activity protocol to enhance executive performance, i.e., held in the gym for 12 consecutive weeks and twice weekly for 70 minutes. Before and after the exercise, the response inhibition scores of all subjects were recorded using the Stroop Test at the pretest and posttest steps. The collected data were analyzed using descriptive statistics, such as central and dispersion indices, and inferential statistics, including univariate Analysis of Covariance (ANCOVA) in SPSS. The Independent Samples t-test was also used to investigate the significant differences in IQ pretest scores and response inhibition between groups. At all stages, the significance level of the tests was considered 0.05 ($p \leq 0.05$).

Results: The ANCOVA results reflected a significant difference in the posttest scores between the experimental and control groups after removing the pretest effect ($p \leq 0.001$). According to the eta-squared, 94% of the changes in response inhibition scores were due to the effect of exercise.

Conclusion: Overall, a 12-week executive function training program by physical activity improved response inhibition in children with DCD. Thus, it is suggested that children with DCD participate in exercise programs based on executive functions and high attentional load training.

Keywords: Developmental coordination disorder, Executive functions, Physical activity, Response inhibition.

اثربخشی برنامه آموزش کارکردهای اجرایی از طریق فعالیت بدنی بر بازداری پاسخ در کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی

محمد جلیلود^۱، *حسین صمدی^۲، یاسر حیدری^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دکترای رفتار حرکتی، استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران؛

۲. استادیار رفتار حرکتی، بخش تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه یزد، یزد، ایران؛

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

* رایانامه نویسنده مسئول: samadi_mh2005@yahoo.com، samadih@vazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴ اسفند ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۵ فروردین ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مشکلات اساسی کودکان با اختلال هماهنگی رشدی که مانع یادگیری آن‌ها در سال‌های اولیه تحصیل می‌شود، نقص در کارکردهای اجرایی است. هدف از انجام این پژوهش، تعیین اثربخشی برنامه آموزش کارکرد اجرایی از طریق فعالیت بدنی بر بازداری پاسخ، در کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی بود.

روش بررسی: روش مطالعه حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله مبتلا به اختلال هماهنگی رشدی شهر کرمانشاه تشکیل دادند. به صورت در دسترس بیست کودک مبتلا به اختلال هماهنگی رشدی انتخاب شدند و به طور تصادفی در گروه گواه و گروه آزمایش گمارده شدند (هر گروه ده نفر). ابزارهای پژوهش، مقیاس هوش و کسلر برای کودکان-ویرایش پنجم (وکسلر، ۲۰۱۴)، پرسشنامه اختلال هماهنگی رشدی (ویلسون و همکاران، ۲۰۰۹)، آزمون ارزیابی حرکات جنبشی کودکان (هندرسون و همکاران، ۲۰۰۷) و آزمون استروپ (استروپ، ۱۹۳۵) بود. برنامه کارکردهای اجرایی مبتنی بر تمرینات حرکتی طی دوازده هفته متوالی و دو بار در هفته به مدت هفتاد دقیقه برگزار شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تی مستقل و روش آماری تحلیل کوواریانس تک‌متغیره در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ صورت گرفت. سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، پس از حذف اثر پیش‌آزمون، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش و گروه گواه مشاهده شد ($p \leq 0/001$). با توجه به مجذور اتا، ۹۴ درصد از تغییرات نمرات بازداری پاسخ ناشی از تأثیر تمرینات بود.

نتیجه‌گیری: دوازده هفته تمرینات کارکردهای اجرایی از طریق فعالیت بدنی باعث بهبود بازداری پاسخ کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی می‌شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود، کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی در برنامه‌های ورزشی مبتنی بر آموزش کارکردهای اجرایی و دارای بار توجهی زیاد، شرکت کنند.

کلیدواژه‌ها: اختلال هماهنگی رشدی، کارکردهای اجرایی، فعالیت بدنی، بازداری پاسخ.

اختلال هماهنگی رشدی^۱ از اختلالاتی است که شیوع آن در میان کودکان حدود ۵ تا ۶ درصد گزارش شده است. در این اختلال مشکلات حرکتی از جمله تأخیر رشدی، اختلال تعادل، اختلال ادراکی، نآزمودگی جسمانی و ضعف هماهنگی حرکتی و تا حدی اختلال عصب شناختی گزارش شده است (۱). اختلال هماهنگی رشدی ممکن است به صورت ناشیگری در مهارت های حرکتی تظاهر کند و منجر به عملکرد ضعیف ورزشی و حتی ضعف در پیشرفت تحصیلی شود (۲). علاوه بر مشکلات هماهنگی و حرکتی، یکی از مشکلات اساسی کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی که مانع یادگیری آن ها در سال های اولیه تحصیل می شود، نقص در کارکردهای اجرایی است (۳). کارکردهای اجرایی شامل حافظه کاری، کنترل مهاری، انعطاف پذیری شناختی، استدلال، برنامه ریزی و حل مسئله می شود. از کارکردهای بسیار مهم اجرایی، بازداری پاسخ است. بازداری پاسخ به توانایی توقف افکار، اعمال و احساسات مربوط است. نبود بازداری پاسخ در کودکان منجر به پاسخ دادن، قبل از درک تکالیف می شود (۳).

بازتوانی شناختی یا آموزش کارکردهای اجرایی یکی از رویکردهای مفیدی است که در سال های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است (۲)؛ برای مثال احمدی و همکاران اثربخشی آموزش کارکردهای اجرایی رایانه محور را بر ویژگی های شناختی و پیشرفت ریاضی کودکان دارای نارسایی توجه/بیش فعالی (۲) و خاکسار بلداجی و همکاران اثربخشی مداخلات آموزشی شناختی رایانه ای حافظه کاری را بر توجه، کنترل پاسخ و حافظه کاری دانش آموزان با اختلال یادگیری (۴) نشان دادند.

رویکرد جدید دیگر در درمان مشکلات شناختی و حرکتی کودکان دارای اختلال کارکردهای اجرایی، استفاده از فعالیت بدنی است (۵). باتوجه به ارتباط تنگاتنگ بین توسعه بسترهای مغزی مسئول هماهنگی حرکتی و عملکرد اجرایی، توجه ویژه ای به تأثیر مداخلات فعالیت بدنی در عملکردهای شناختی کودکان دارای اختلالات هماهنگی رشدی شده است (۶). برای مثال چو و همکاران تأثیر یک دوره تمرینات یوگا را بر کارکردهای اجرایی (بازداری پاسخ، گوش به زنگی، کنترل تکانشی) کودکان دارای اختلال نقص توجه-بیش فعالی گزارش کردند (۷). همچنین مرادی و موحدی در پژوهشی تأثیر غنی سازی محیط (تمرینات ادراکی-حرکتی اسپارک) را بر بهبود کارکردهای عصبی شناختی توجه در کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی نشان دادند (۸).

باوجود انجام برخی پژوهش ها در زمینه کارکردهای اجرایی، برای بررسی اثربخشی فعالیت های حرکتی بر کارکردهای اجرایی در پژوهش های قبلی، عمدتاً از تمرینات بدون دستکاری اشیاء محیطی مانند ژیمناستیک، ایروبیک و کاراته استفاده شده است (۶، ۹). این فعالیت های حرکتی دارای بار توجهی و پردازشی ضعیفی اند و باتوجه به ماهیت این نوع تمرینات، کودکان معمولاً میل و رغبت چندانی از خود برای شرکت در فعالیت های حرکتی نشان نمی دهند (۹). به علاوه

تحقیقات مشخص می کند، همه انواع مداخلات فعالیت بدنی بر کارکردهای اجرایی کودکان دارای اختلال کارکردهای اجرایی مؤثر نیست؛ برای مثال بنی کریمی و همکاران نشان دادند، آموزش مهارت های حرکتی بنیادی بر توجه پیوسته و تکانشگری شناختی کودکان دارای اختلال نقص توجه-بیش فعالی تأثیر معناداری ندارد (۱۰). پژوهش های جدید باید در پی یافتن این سؤال باشند که چگونه جنبه های کیفی فعالیت بدنی مانند نیازهای توجهی و بار شناختی مهارت های حرکتی می تواند بر عملکرد شناختی کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی مؤثر باشد (۹).

یکی از ورزش هایی که دارای بار شناختی زیاد است و می توان از آن در بهبود قابلیت هماهنگی بینایی و تعقیب روان بینایی استفاده کرد، تنیس روی میز است (۱۱). چندین مزیت در استفاده از برنامه تنیس روی میز وجود دارد که باعث ادغام تمرین جسمانی و شناختی می شود (۹). عملکرد موفق در تنیس روی میز به پردازش اطلاعات بصری شیء نزدیک شونده (یعنی توپ) بستگی دارد؛ همچنین بین عملکرد بینایی و سیستم های مسئول کارکردهای اجرایی در مغز رابطه نزدیک وجود دارد (۱۱). پیچیدگی کارها و مهارت های استفاده شده در بازی مانند فورهند، بک هند، سرویس و ویژگی های زمانی و مکانی پرواز توپ می تواند نیازهای توجهی زیادی در اجرای برنامه و نیز در انتخاب پاسخ ها داشته باشد که همگی نشان دهنده نیازهای تصمیم گیری و بار شناختی زیاد تنیس روی میز است (۹). تنیس روی میز نیازمند استفاده از قابلیت تعقیب بینایی و استفاده از مکانیزم های کنترل پیش بینانه برای اجرای موفق حرکات است که به کارکردهای تجربه کردن جابه جایی اشیاء در محیط اتکا دارد (۱۱). به علاوه مناطقی از مغز که در بازی تنیس روی میز دارای اهمیت ویژه ای است، شامل قشر خلفی و پیشانی مغزی، نواحی میانی گیجگاهی قشر بینایی و مخچه می شود (۹). با اینکه ادبیات تحقیقات درباره تصویب برداری از مغز در کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی محدود است، همه این مناطق در مشکلات دیده شده در کارکردهای اجرایی کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی درگیر بوده اند (۱۲). همچنین اختلال در سیستم کنترل پیش بینانه که باعث اختلال در عملکردهای اجرایی می شود، در بین این کودکان رایج است (۱۳).

باتوجه به اهمیت بررسی تأثیرات فعالیت های حرکتی دارای بار شناختی زیاد بر کارکردهای اجرایی کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی و کمبود تحقیقات در این زمینه، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه آموزش کارکردهای اجرایی از طریق فعالیت بدنی بر بازداری پاسخ در کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی انجام شد.

۲ روش بررسی

روش تحقیق مطالعه حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله دارای اختلال هماهنگی رشدی شهر کرمانشاه تشکیل دادند. براساس تأیید کاپلان مبنی بر حداقل تعداد نمونه (۱۴) و تعداد فرم های تأیید رضایت شرکت در پژوهش حاضر،

1. Developmental Coordination Disorder (DCD)

مقدماتی فورهند، بکهند، سرویس، وضعیت مناسب بدن در این ضربات و تمرین این مهارت‌ها بود. برای دومین بخش اصلی برنامه (چهل دقیقه)، آموزش مهارت‌های عملکرد اجرایی با تمرین تنیس روی میز صورت گرفت تا روی تکلیفی ویژه تمرکز شود و مهارت‌های خاصی تمرین شود که فرض می‌شود مربوط به کارکرد اجرایی است. در این بخش تمرکز بر ارائه تکالیف با پیچیدگی‌های مختلف، تمرینات نیازمند توجه به دستورالعمل مربی و رنگ توپ‌ها و تمرینات بازداري پاسخ بود. پیچیدگی مداخلات کنترل مهاري و تمرینات توجه، با نیازهای فرد و مهارت‌های حرکتی هر کودک تناسب داشت. همه فعالیت‌ها و شرایط آموزشی برای دستیابی به شیوه تمرینی خاصی طراحی شد که بر پایه آموزش مربوط به بازداري پاسخ و توجه بود؛ یعنی هر کودک با پردازش اطلاعات بصری واقعی، برنامه‌ریزی پاسخ خود و سپس برنامه‌ریزی حرکت مناسب با بازداري پاسخ، آماده پاسخ‌گویی شد. پروتکل تمرینی ذکرشده از مطالعات پن و همکاران (۹)، تی‌سای (۱۷) و تی‌سای و همکاران (۱۸) اقتباس شد و روایی محتوایی آن توسط ده متخصص روان‌شناسی ورزشی به تأیید رسید. پروتکل تمرینات کارکردهای اجرایی از طریق تنیس روی میز در جدول ۱ آورده شده است.

بسیار کودک مبتلا به اختلال هماهنگی رشدی به‌صورت در دسترس انتخاب شدند و به‌طور تصادفی در دو گروه ده‌نفره شامل گروه گواه و گروه آزمایش گمارده شدند. برای اطمینان از وجود اختلال هماهنگی رشدی در این افراد، ابزار غربالگری شامل پرسشنامه اختلال هماهنگی رشدی^۱ (۱۵) و آزمون ارزیابی حرکات جنبشی کودکان^۲ (۱۶) به‌کار رفت. آزمودنی‌ها سابقه بیماری خاصی نداشتند و با رضایت خانواده در این پژوهش شرکت کردند. همچنین به شرکت‌کنندگان در رابطه با محرمانه‌ماندن اطلاعات اطمینان داده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایشی در پروتکل فعالیت بدنی طراحی‌شده شرکت کردند که هدف آن ارتقای کارکردهای اجرایی بود؛ همچنین پروتکل فعالیت بدنی، طی دوازده هفته متوالی و دو بار در هفته به‌مدت هفتاد دقیقه در سالن ورزشی برگزار شد. قبل از شروع تمرینات و پس از پایان آن، نمرات بازداري پاسخ تمام آزمودنی‌ها به‌عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون ثبت شد.

جلسات تمرین شامل گرم‌کردن (پنج دقیقه)، مهارت پایه تنیس روی میز و پیشرفت تدریس (بسیار دقیقه)، آموزش عملکرد اجرایی از طریق تمرین تنیس (چهل دقیقه) و سردکردن (پنج دقیقه) بود. در اولین بخش برنامه (بسیار دقیقه) مهارت‌های تنیس روی میز به‌تدریج آموزش داده شد و شامل مهارت‌های گرفتن توپ و راکت، ضربات

جدول ۱. پروتکل تمرینات کارکردهای اجرایی از طریق تنیس روی میز

تمرینات ارائه‌شده	ارتقای کارکردهای اجرایی
گرفتن توپ‌های نارنجی با دو دست و نگرفتن توپ‌های سفید، انجام شد.	بازداري پاسخ، افزایش تمرکز
توپ‌های نارنجی با دست راست و توپ‌های سفید با دست چپ گرفته شد.	کنترل رفتار، هماهنگی چشم و دست
پاسخ‌دادن با جلوی راکت به توپ‌های سفید و پاسخ‌دادن با پشت راکت به توپ‌های نارنجی، صورت گرفت.	توجه انتخابی، بازداري پاسخ، ادراک بینایی
پاسخ‌دادن به سرویس‌هایی که با توپ نارنجی ارسال شد و به سرویس‌های زده‌شده با توپ سفید، پاسخ داده نشد.	توجه انتخابی، بازداري پاسخ، ادراک بینایی
پاسخ‌دادن فقط به توپ‌هایی که با نام‌گذاری شماره زوج ارسال شد و شماره‌های فرد نادیده گرفته شد.	توجه انتخابی، بازداري پاسخ، تقویت شنیداری
پاسخ‌دادن با جلوی راکت به توپ‌هایی که با شماره زوج ارسال شد و پاسخ‌دادن با پشت راکت به توپ‌هایی که با شماره فرد ارسال شد و تکرار بلند شماره‌های زوج صورت گرفت.	توجه انتخابی، بازداري پاسخ، سرعت پردازش
پاسخ‌دادن به توپ‌های سفید و نارنجی که به‌طور تصادفی در یک جهت ارسال شدند.	توجه انتخابی، بازداري پاسخ، ادراک بینایی
پاسخ‌دادن به توپ‌های سفید و نارنجی که برای جلوگیری از پیش‌بینی وقوع حرکت به‌طور تصادفی از جهت نامشخص و همچنین در زمان نامشخص ارسال شد.	توجه انتخابی، بازداري پاسخ، سرعت پردازش
پاسخ‌دادن به سرویس‌هایی که در طی آن فاصله، جهت و سرعت توپ‌ها متفاوت بود و با این کار سطوح مختلف پیچیدگی به کودکان ارائه شد.	سرعت پردازش، زمان واکنش

پایایی این آزمون را به‌ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۹۴ گزارش کردند (۲۰). پرسشنامه اختلال هماهنگی رشدی: این پرسشنامه توسط ویلسون و همکاران در سال ۲۰۰۹ برای افراد سنین ۱۵ تا ۱۸ سال ارائه شد (۱۵). این پرسشنامه معیار و مقیاسی برای شناسایی اختلال هماهنگی رشدی در کودکان است. در این پرسشنامه از والدین خواسته می‌شود عملکرد حرکتی کودکان را در مقایسه با همسالان او با استفاده از مقیاس پنج‌طیفی لیکرت مقایسه کنند. این پرسشنامه شامل پانزده سؤال است

ابزارهای زیر در پژوهش به‌کار رفت.

– مقیاس هوش و کسلر برای کودکان – ویرایش پنجم^۳: برای سنجش هوشبر کودکان از ویرایش پنجم مقیاس هوش و کسلر برای کودکان ارائه‌شده توسط و کسلر در سال ۲۰۱۴ استفاده شد (۱۹). مقیاس هوش و کسلر برای کودکان شامل یازده خرده‌آزمون است که دو مقیاس هوش کلامی (شش خرده‌آزمون) و غیرکلامی (پنج خرده‌آزمون) و هوشبر کل را محاسبه می‌کند (۱۹). عطا‌دخت و همکاران، روایی و

³. Wechsler Intelligence Scale for Children-Fifth Edition

¹. Developmental coordination disorder Questionnaire

². Movement Assessment Battery for Children

انتخابی یا توجه متمرکز و بازداری پاسخ است (۲۲). در پژوهش حاضر، نوع رایانه‌ای آن استفاده شد. در این آزمون اسامی چهار رنگ اصلی هرکدام با رنگی یکسان (کلمات همخوان) و متفاوت از رنگ جوهر خودشان (کلمات ناهمخوان) به صورت تصادفی بر صفحه مانیتور ظاهر می‌شود و از شرکت‌کننده خواسته می‌شود تا هرچه سریع‌تر براساس رنگ کلمه، کلید مطابق با آن را در صفحه‌کلید فشار دهد؛ به عنوان مثال کلمه آبی با رنگ آبی یا رنگ دیگری (مثلاً قرمز) نوشته می‌شود و شرکت‌کننده باید به جای معنای کلمه، رنگ جوهر آن را تعیین کند. نرم‌افزار به طور خودکار تعداد پاسخ‌های صحیح، زمان واکنش و نمره تداخل را ثبت می‌کند. رهبر کرباسدهی و همکاران، روایی و پایایی این آزمون را به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۸۲ گزارش کردند (۲۳).

تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی صورت گرفت. در بخش آمار استنباطی، به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون شاپیرو-ویلک و برای بررسی همگنی واریانس‌ها از آزمون لون استفاده شد. در نهایت روش تحلیل کوواریانس تک‌متغیره در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ به منظور آزمون فرضیه پژوهش به کار رفت. همچنین از آزمون تی مستقل برای بررسی تفاوت معناداری در نمرات پیش‌آزمون بهره‌هوشی و بازداری پاسخ بین گروه‌ها، استفاده شد. در تمامی مراحل سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد ($p \leq 0.05$).

۳ یافته‌ها

جدول ۲ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن و هوشبهر) گروه آزمایش و گروه گواه را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان گروه تمرینات کارکردهای اجرایی (آزمایش) و گروه گواه				
گروه	سن		هوشبهر	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
تمرینات کارکردهای اجرایی	۱۰/۵۰	۱/۰۸	۱۰۵/۵۰	۳/۶۸
گواه	۱۰/۲۰	۰/۹۸	۱۰۴/۵۰	۲/۸۳

همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف معیار سن در گروه آزمایش 10.50 ± 1.08 سال و در گروه گواه 10.20 ± 0.98 سال بود. میانگین و انحراف هوشبهر نیز برای گروه آزمایش 105.50 ± 3.68 و برای گروه گواه 104.50 ± 2.83 به دست آمد.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار بازداری پاسخ در دو گروه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون و نتایج تحلیل کوواریانس

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		تحلیل کوواریانس	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	مقدار p
بازداری پاسخ	آزمایش	۵۲/۱۰	۲/۲۳	۶۱/۶۰	۱/۵۷	۲۹۲/۸۸	≤ 0.001
	گواه	۵۱/۲۰	۱/۹۳	۵۳/۵۰	۱/۳۵		

براساس جدول ۳، میانگین بازداری پاسخ در گروه آزمایش، در پس‌آزمون در مقایسه با پیش‌آزمون تغییر زیادی کرد؛ اما در گروه گواه

تغییر چشمگیری مشاهده نشد. نتایج آزمون تی مستقل نشان داد، تفاوت معناداری در نمرات پیش‌آزمون بهره‌ هوشی و بازداری پاسخ بین گروه آزمایش و گروه گواه وجود نداشت ($p > 0.05$). در ادامه مفروضه‌های روش تحلیل کوواریانس بررسی شد. به این صورت که نتایج آزمون شاپیرو-ویلک به منظور ارزیابی نرمال بودن داده‌ها حاکی از نرمال بودن داده‌ها در پیش‌آزمون ($F = 0.969$, $p = 0.741$) و پس‌آزمون ($F = 0.891$, $p = 0.280$) بود. همچنین فرض همگن بودن واریانس خطای بین گروه آزمایش و گروه گواه در نمرات بازداری پاسخ با استفاده از آزمون لون به تأیید رسید ($F = 2.86$, $p = 0.108$). در ادامه برای بررسی تأثیر متغیر مستقل بر بازداری پاسخ کودکان از روش تحلیل کوواریانس با کنترل اثر پیش‌آزمون استفاده شد. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد، پس از حذف اثر پیش‌آزمون، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش و گروه گواه وجود داشت ($p \leq 0.01$). باتوجه به مجذور اتا، ۹۴ درصد از تغییرات نمرات بازداری پاسخ ناشی از تأثیر تمرینات بوده است.

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش کارکردهای اجرایی از طریق فعالیت بدنی بر بازداری پاسخ کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی بود. نتایج پژوهش، پیشرفت معناداری را در نمرات بازداری پاسخ کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی به دنبال دوازده هفته تمرینات کارکردهای اجرایی مبتنی بر فعالیت بدنی نشان داد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات تی‌سای و همکاران (۱۸) و هاشمی و همکاران (۲۱) همسوست. هاشمی و همکاران در پژوهشی به بررسی تأثیر تمرینات ثابت مرکزی بر تعادل و زمان واکنش کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی پرداختند. نتایج تأثیر مثبت این تمرینات را بر زمان واکنش و تعادل کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی نشان داد (۲۱). تی‌سای و همکاران دریافتند، انجام تمرینات فوتبال باعث بهبود پتانسیل وابسته به رویداد مغز و شاخص‌های عصبی کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی می‌شود (۱۸). درحقیقت مداخلات توان‌بخشی شناختی با افزایش فعالیت مغز در قشر پیش‌پیشانی، کارکردهای اجرایی را ارتقا می‌بخشد (۳).

در رابطه با تبیین تأثیرگذاری مثبت پروتکل تمرین کارکردهای اجرایی از طریق تنیس روی میز بر بازداری پاسخ می‌توان گفت، تمرینات کارکردهای اجرایی استفاده‌شده که همراه با بازی تنیس روی میز ارائه شد، نوعی توان‌بخشی شناختی مبتنی بر حرکت محسوب می‌شود؛ زیرا در بازی تنیس روی میز مناطقی از مغز که در اجرای مهارت درگیر هستند، شامل قشر پیش‌پیشانی و قشر خلفی، نواحی میانی گیجگاهی قشر بینایی و مخچه است؛ همه این مناطق در تکالیف مربوط به کارکردهای اجرایی نقش دارند (۹)؛ بنابراین انجام تنیس روی میز توانست با افزایش فعالیت مغز در این نواحی مغزی باعث ارتقای کارکردهای اجرایی در کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی شود. از سوی دیگر کودکان ۱۲ تا ۷ ساله دارای اختلال هماهنگی رشدی، مشکلاتی را در تعقیب روان‌بینایی و سیستم کنترل پیش‌بینانه نشان

می‌دهند که می‌تواند بر طیف وسیعی از نتایج ادراکی و شناختی در کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی تأثیر بگذارد (۳). همانند تعقیب روان‌بینایی، هر دو عملکرد حرکتی و عملکرد اجرایی توسط زیربنای ساختاری و اتصالات عملکردی بین قشر آهیانه‌ای و پیشانی و مخچه حمایت می‌شود (۵). یکی از ورزش‌هایی که می‌توان از آن در بهبود قابلیت هماهنگی بینایی و تعقیب روان‌بینایی استفاده کرد، تنیس روی میز است (۱۱). عملکرد موفق در تنیس روی میز به اطلاعات بصری بستگی دارد که درباره شیء نزدیک‌شونده (یعنی توپ) پردازش می‌شود. از آنجاکه بین عملکرد بینایی و سیستم‌های مسئول کارکردهای اجرایی در مغز رابطه نزدیکی وجود دارد، انجام تمرینات تنیس روی میز توانست باعث بهبود بازداری پاسخ در کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی شود (۱۱). به علاوه پیچیدگی مهارت‌ها و ویژگی‌های زمانی و مکانی پرواز توپ می‌تواند بر نیازهای توجهی اجرای برنامه و انتخاب پاسخ‌ها تأثیر داشته باشد؛ این امر نشان‌دهنده نیازهای تصمیم‌گیری و بار شناختی زیاد تنیس روی میز است (۹)؛ بنابراین مداخله تنیس روی میز توانست با اعمال فشار بر مکانیزم‌های درگیر در عملکرد کارکردهای اجرایی تأثیر مثبتی بر نمرات بازداری پاسخ داشته باشد (۱۱).

بیشترین پیشرفت مؤلفه‌های عملکردهای اجرایی در سن مدرسه (معمولاً ۷ تا ۱۲ سالگی) اتفاق می‌افتد. کارکردهای اجرایی به شخص اجازه می‌دهد تا از طریق برنامه‌ریزی عملی مشخص و همچنین مهارت با به‌تعمیق‌انداختن واکنشی معین، درگیر موقعیتی شود (۹). عملکرد کارآمد کارکردهای اجرایی مرتبط با فعالیت عصبی در لوب‌های فرونتال، به‌ویژه در قشر پیش‌پیشانی، قشر قدامی سینگولیت^۱، قشر آهیانه‌ای پاریتال و ساختارهای زیر قشر مانند تالاموس، پاتامن و مخچه است. تمرینات تنیس روی میز دارای پتانسیل زیادی در اثرگذاری بر مناطق عصبی مرتبط با کارکردهای اجرایی است و به‌نوعی می‌توان گفت، تمرینات تنیس روی میز مسیرهای عصبی مشابه تقویت کارکردهای اجرایی را فعال می‌کند (۱۱).

در پژوهش حاضر پروتکل تمرینی تنیس روی میز با هدف تمرکز توجه، ادراک و تصمیم‌گیری و بازداری پاسخ طراحی شد و به‌طور مستقیم نیز در تمرین کارکردهای اجرایی مؤثر بود. در این پژوهش، کودکان می‌بایست به دستورالعمل‌های مربی توجه می‌کردند و فقط به توپ‌های نارنجی پاسخ می‌دادند و توپ‌های سفید را نادیده می‌گرفتند (بازداری پاسخ)؛ همچنین توجه به شماره‌هایی که با زدن سرویس ارائه می‌شد و کودکان را ملزم به تکرار بلند شماره‌های فرد و پاسخ به سرویس می‌کرد، درحالی‌که باید به شماره‌های زوج پاسخ نمی‌دادند، نوع دیگری از تمرینات کارکردهای اجرایی بود (۹). علاوه بر مطالب گفته‌شده، فعالیت بدنی به روش‌های دیگری نیز بر کارکردهای شناختی و ازجمله بازداری پاسخ اثرگذار است. فعالیت بدنی گردش خون را افزایش می‌دهد که منجر به بهتر شدن دسترسی مغز به اکسیژن و منابع تغذیه‌ای می‌شود (۸). فعالیت ورزشی تأثیر مثبتی بر سیستم‌های حرکتی، قلبی‌عروقی، تنفسی، هورمونی، ایمنی و عصبی دارد؛ به‌طوری‌که

^۱. Cingulate

بالیدگی نواحی حرکتی را در مغز تحریک می‌کند و سرعت هدایت تکانه‌های عصبی را افزایش می‌دهد (۲۴).

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ساز طراحی برنامه‌های مناسب ورزشی برای تأمین نیازهای کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی باشد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده مقایسه پروتکل به‌کاررفته در پژوهش حاضر با تمرینات دیگر صورت گیرد. همچنین اثر سایر فعالیت‌های اوقات فراغت مانند موسیقی بر کارکردهای شناختی کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی با پروتکل‌های فعالیت بدنی مقایسه شود.

۵ نتیجه‌گیری

براساس نتایج پژوهش حاضر نتیجه گرفته می‌شود که دوازده هفته تمرینات کارکردهای اجرایی از طریق فعالیت بدنی، در بهبود بازداری پاسخ کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی مؤثر است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود، کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی در برنامه‌های ورزشی تنیس با رویکرد تمرین کارکردهای اجرایی شرکت کنند و از پتانسیل‌های تمرینات تنیس روی میز برای بهبود کارکردهای اجرایی خود سود ببرند.

۶ تشکر و قدردانی

از معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه به‌دلیل حمایت‌های معنوی، کودکان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر و خانواده‌های محترمشان و سایر افرادی که در مراحل عملی اجرای پژوهش کمک کردند، کمال تشکر را داریم.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی نویسنده اول مقاله با عنوان «اثرات تمرین کارکردهای اجرایی از طریق فعالیت حرکتی بر کارکردهای اجرایی کودکان دارای اختلال هماهنگی رشدی» با شناسه اخلاق ir.kums.rec1398.181 است. آزمودنی‌ها با رضایت خانواده خود در این پژوهش شرکت کردند. همچنین به شرکت‌کنندگان در رابطه با محرمانه ماندن اطلاعات اطمینان داده شد.

رضایت برای انتشار

این امر غیر قابل اجرا است.

References

1. Bernardi M, Leonard HC, Hill EL, Botting N, Henry LA. Executive functions in children with developmental coordination disorder: a 2-year follow-up study. *Dev Med Child Neurol*. 2018;60(3):306–13. doi:[10.1111/dmcn.13640](https://doi.org/10.1111/dmcn.13640)
2. Ahmadi A, Arjmandnia AA, Azizi MP, Motie S. The effectiveness of computer-based executive function training on cognitive characteristic and math achievement of children with attention deficit hyperactivity disorder. *Journal of Pediatric Nursing*. 2017;4(1):43–50. [Persian] doi:[10.21859/jpen-04017](https://doi.org/10.21859/jpen-04017)
3. Aivazy S, Yazdanbakhsh K, Moradi A. The effectiveness of computer cognitive rehabilitation on improvement of executive function of response inhibition in children with attention deficit hyperactivity. *Neuropsychology*. 2018;4(14):9–22. [Persian] http://clpsy.journals.pnu.ac.ir/article_5239.html?lang=en
4. Khaksar Boldaji MA, Abdollahi MH, Kadivar P, Hasan Abadi HR, Arjomandnia A. The effectiveness of computer-based cognitive training on working memory on attention, response control, and central executive of working memory of children with specific learning disabilities. *Social Cognition*. 2018;7(2):173–86. [Persian] http://sc.journals.pnu.ac.ir/article_5303.html?lang=en
5. Diamond A. Close interrelation of motor development and cognitive development and of the cerebellum and prefrontal cortex. *Child Development*. 2000;71(1):44–56. doi:[10.1111/1467-8624.00117](https://doi.org/10.1111/1467-8624.00117)
6. Leonard HC. The impact of poor motor skills on perceptual, social and cognitive development: the case of developmental coordination disorder. *Front Psychol*. 2016;7:311. doi:[10.3389/fpsyg.2016.00311](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.00311)
7. Chou C, Huang C. Effects of an 8-week yoga program on sustained attention and discrimination function in children with attention deficit hyperactivity disorder. *Peer J*. 2017;5:288–93. doi:[10.7717/peerj.2883](https://doi.org/10.7717/peerj.2883)
8. Moradi H, Movahedi A. Effect of environment enrichment (SPARK perceptual-motor exercises) on the improvement of neurocognitive functions in children with developmental coordination disorder. *Shefaye Khatam*. 2019;7(3):23–31. doi:[10.29252/shefa.7.3.23](https://doi.org/10.29252/shefa.7.3.23)
9. Pan CY, Tsai CL, Chu CH, Sung MC, Huang CY, Ma WY. Effects of physical exercise intervention on motor skills and executive functions in children with ADHD: a pilot study. *J Atten Disord*. 2019;23(4):384–97. doi:[10.1177/1087054715569282](https://doi.org/10.1177/1087054715569282)
10. Banikarimi S, Hadianfard H, Rostami R. The effect of fundamental motor skills training on cognitive impulsivity, motor impulsivity and sustained attention students with ADHD symptoms. *Journal of Motor Learning and Movement*. 2018;10(2):257–75. [Persian] https://jmlm.ut.ac.ir/article_68146.html?lang=en
11. Pan CY, Chu CH, Tsai CL, Lo SY, Cheng YW, Liu YJ. A racket-sport intervention improves behavioral and cognitive performance in children with attention-deficit/hyperactivity disorder. *Research in Developmental Disabilities*. 2016;57:1–10. doi:[10.1016/j.ridd.2016.06.009](https://doi.org/10.1016/j.ridd.2016.06.009)
12. Zwicker JG, Missiuna C, Boyd LA. Neural correlates of developmental coordination disorder: a review of hypotheses. *J Child Neurol*. 2009;24(10):1273–81. doi:[10.1177/0883073809333537](https://doi.org/10.1177/0883073809333537)
13. Leonard HC, Hill EL. Executive difficulties in developmental coordination disorder: methodological issues and future directions. *Curr Dev Disord Rep*. 2015;2(2):141–9. doi:[10.1007/s40474-015-0044-8](https://doi.org/10.1007/s40474-015-0044-8)

14. Kaplan HI, Sadock BJ, Sadock VA. Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences/clinical psychiatry. 9th edition. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2003.
15. Wilson BN, Crawford SG, Green D, Roberts G, Aylott A, Kaplan BJ. Psychometric properties of the revised developmental coordination disorder questionnaire. *Physical & Occupational Therapy in Pediatrics*. 2009;29(2):182–202. doi:[10.1080/01942630902784761](https://doi.org/10.1080/01942630902784761)
16. Henderson SE, Sugden DA, Barnett AL. Movement assessment battery for children-2: MABC-2. Second edition. London: Pearson assessment; 2007.
17. Tsai CL. The effectiveness of exercise intervention on inhibitory control in children with developmental coordination disorder: using a visuospatial attention paradigm as a model. *Research in Developmental Disabilities*. 2009;30(6):1268–80. doi:[10.1016/j.ridd.2009.05.001](https://doi.org/10.1016/j.ridd.2009.05.001)
18. Tsai CL, Wang CH, Tseng YT. Effects of exercise intervention on event-related potential and task performance indices of attention networks in children with developmental coordination disorder. *Brain and Cognition*. 2012;79(1):12–22. doi:[10.1016/j.bandc.2012.02.004](https://doi.org/10.1016/j.bandc.2012.02.004)
19. Wechsler D. Wechsler Intelligence Scale for Children-Fifth Edition: Canadian (WISC-V^{CDN}). Totonto, Ontario: Pearson Canada Assessment; 2014.
20. Atadokht A, Yagobi V, Basharpour S, Zare R. The diagnostic capability of the wechsler intelligence scale for children in quickly diagnosis of students with special learning disability. *Journal of Learning Disabilities*. 2015;4(2):55–69. [Persian] http://jld.uma.ac.ir/article_261_4.html?lang=en
21. Hashemi A, Sheikh M, Homaneyan D, Bagherzaeh F. The effect of Wii Fit training on metacognitive characteristics of children with developmental coordination disorder. *Journal of Motor and Behavioral Sciences*. 2019;2(3):177–88. [Persian] http://www.jmbs.ir/article_95535_en.html
22. Stroop JR. Studies of interference in serial verbal reactions. *Journal of Experimental Psychology*. 1935;18(6):643–62. doi:[10.1037/h0054651](https://doi.org/10.1037/h0054651)
23. Rahbar Karbasdehi E, Abolghasemi A, Hossein Khanzadeh AA, Rahbar Karbasdehi F. Comparison of neurocognitive and social skills students with and without dyscalculia. *Neuropsychology*. 2019;4(15):107–22. [Persian] http://clpsy.journals.pnu.ac.ir/article_5570.html?lang=en
24. Alesi M, Bianco A, Padulo J, Vella FP, Petrucci M, Paoli A, et al. Motor and cognitive development: the role of karate. *Muscles Ligaments Tendons J*. 2014;4(2):114–20.